تاريخ عصر غيبت كبرى (1(

 سيد منذر حكيم

پيش درآمد

 1 - تبيين موضوع، اهداف، قلمروها و ويژگي‏هاي بحث‏

 بسيار منطقي است كه سؤال شود از اين عنوان ذكر شده براي بحث چه منظوري داريد؟

 آيا تاريخ يك فرد يا يك جامعه يا مجموعه‏اي از پديده‏هاي از پيش تعيين شده مد نظر است؟

 يا اين‏كه تاريخ تمام پديده‏هاي اجتماعي و انساني در عصر غيبت كبري‏ مورد بحث قرار خواهد گرفت؟

 پر واضح است كه اين عنوان در مجموعه‏ي عناوين ويژه‏ي تاريخ اسلام مطرح مي‏شود. بنابراين، بايد به مقطعي و دوره‏اي از تاريخ اسلام ناظر باشد، و نه به تمام پديده‏هاي اجتماعي و انساني در اين دوران.

 ولي از آن جايي كه دوران غيبت كبري‏ امام مهدي (عج) مطرح مي‏باشد و امام مهدي (عج)، امام تمام بشريت است و نه فقط مسلمين يا شيعيان و در اين دوران، مقدمات ظهور او به عنوان مصلحي جهاني فراهم مي‏گردد، و رسالت بررسي تاريخ اين دوران منهاي در نظر گرفتن نهايت اين دوران و اهداف مطرح شده براي امامت او - كه امام جن و انس است - امكان‏پذير نيست، بنابراين، چه بسا لازم باشد كه تاريخ جهان اسلام بلكه جهان بشريت در اين دوران مورد مطالعه و دقت قرار گيرد، تا سير تحولات اجتماعي و سياسي و فرهنگي - كه به سمت فراهم شدن شرايط جهاني براي ظهور مصلح جهاني جهت مي‏يابد، با توجه به هدف‏مندي و قانون‏مند بودن حركت جهان و بشريت در اين جهان - مورد دقت قرار گيرد، و مقدار تطابق پيش‏بيني‏هاي وحياني براي آينده‏ي بشريت با حركت ارادي بشر و قانون‏مند بودن اين حركت روشن گردد. و از بحث‏هاي تحليلي تاريخ به ويژه تاريخ دوران غيبت بتوانيم با هدف‏گيري‏هاي قرآني براي بحث‏هاي تاريخي، هم سو شويم و از اين بحث‏هاي تحليلي براي رسيدن به اهداف والاي تاريخ‏شناسي و تاريخ‏نگري بهره‏مند گرديم.

 بنابراين، جا دارد براي كساني كه در بحث‏هاي تخصصي تاريخ وارد نشده‏اند، اهداف و رسالت كلان بحث‏هاي تاريخي را روشن نماييم تا اين‏كه در چنين بحث‏هايي، بي‏راهه نرويم و حداكثر استفاده را از تحليل و نقد در بحث‏هاي تاريخي داشته باشيم.

 نتيجه‏ي اين مسير چنين خواهد بود:

 1 - تبيين و تعيين موضع بحث به طور دقيق.

 2 - ترسيم اهداف و انگيزه‏هاي بحث درباره تاريخ عصر غيبت كبري‏.

 3 - تبيين قلمروهاي بحث در تاريخ اين عصر.

 چهارمين بحث مقدماتي براي اين سلسله بحث‏ها بايد پرداختن به ضرورت بحث از تاريخ دوران غيبت كبري‏ در قلمروهاي ياد شده باشد؛ زيرا دلايل نياز به اين مباحث، چراغ ما براي تعيين برد و افق بحث‏هاي اين مجموعه خواهد بود، چون به اندازه‏ي نياز فعلي و آينده‏ي خود بايد حركت كنيم.

 پنجمين بحث مقدماتي در اين مجموعه مشكلات و چالش‏هاي موجود در زمينه‏ي بحث‏هاي تاريخي دوران غيبت كبري‏ مي‏باشد. و آخرين بحث مقدماتي بايد تعيين سرفصل‏هاي مناسب در هر يك از قلمروهاي تعيين شده براي بحث‏هاي تاريخي دوران غيبت كبري‏ باشد.

 2 - اهداف و رسالت بحث‏هاي تاريخي‏

 دومين بخش را با تعيين اهداف تاريخ‏نگاري قرآن كريم؛ شروع مي‏كنيم زيرا قرآن كريم، راهنما و هدايت‏گر ما در تمام مراحل و ابعاد زندگي بايد باشد.

 براي رسيدن يك پژوهش‏گر به مجموعه‏ي اهدافي كه قرآن كريم براي تاريخ‏نگاري خود درنظر گرفته است، لازم است، دقتي ويژه در آيات تاريخي قرآن بنمايد.

 در حالي كه حوادث و جريانات تاريخي كه همراه با تحليل و نتيجه‏گيري مي‏باشد، در حدود ثلث مساحت آيات قرآن را فرا گرفته است، بسيار بجا است كه به چند مجموعه از آيات قرآن در اين زمينه مراجعه نماييم.

 مجموعه‏ي اول:

 آياتي كه مخاطبان قرآن به ويژه مخاطبان قصص قرآني را ذكر نموده و طبقات گوناگوني را اشاره كرده است.

 اين مخاطبان عبارتند از: عموم مردم، جهانيان، پرسشگران، شنوندگان، دانايان و كساني كه مي‏خواهند بدانند، يا كساني كه مي‏خواهند ايمان بياورند، سپاسگزار باشند، يا بفهمند، يا تعقّل كنند، يا يادآوري شوند، يا به يقين برسند، يا به يقين رسيده باشند، يا در حال برگشت به خدا باشند، يا با فراست و زيرك باشند، يا دانا و بينا باشند.

 مجموعه‏ي دوم:

 آياتي كه مردم را به نظر و مطالعه و دقت در حال گذشتگان يا سير در زمين يا عبرت گرفتن از سرگذشت ديگران دعوت مي‏نمايد، كه نشان دهنده‏ي جهت‏گيري قرآن به سمت تفكر و تحقيق و نتيجه‏گيري مي‏باشد.

 مجموعه‏ي سوم:

 آياتي كه حوادث تاريخي را آيه خوانده باشد. آيه، نشانه است و آيه‏هاي تاريخي گويا مطالبي است كه چون آينه، حقايق را به خوبي نشان مي‏دهد يا كُد مي‏دهد و انسان را به صاحب نشانه مي‏رساند.

 مجموعه‏ي چهارم:

 آياتي كه به طور صريح و روشن، اهداف تاريخ‏نگاري و بيان قصص انبياء و امت‏ها را ذكر كرده باشد. مانند: آيه‏ي 120 سوره‏ي هود و آيه‏ي 111 سوره‏ي يوسف كه در بيان حق دادن و موعظه و يادآوري و تقويت قلب (تثبيت فؤاد) و عبرت گرفتن خلاصه مي‏شوند.

 بدين سان مي‏توانيم مجموعه‏ي اهدافي را كه براي تاريخ‏نگاري در قرآن كريم آمده است، در شش امر خلاصه مي‏كنيم:

 1 - فراهم نمودن زمينه‏ي تفكر و ايجاد انگيزه براي پرسش و تحقيق كه انسان را به گونه‏اي بهتر و سريع‏تر به حقيقت مي‏رساند و عطش و نياز انسان حقيقت‏جو را با رساندن او به حقايق تأمين مي‏نمايد.

 2 - تاريخ نمايان‏گر تجربيات بسيار با ارزش گذشتگان است كه در اختيار آيندگان قرار مي‏گيرد و خردمندان و افراد بينا و تيزبين و عاقبت‏انديش و فهيم از ?اين تجربيات توشه برمي‏دارند و تحولات آينده‏ي خود و جهان بشريت را مي‏بينند و مي‏سازند، و بر آن‏چه مي‏سازند آگاهي دارند، و با تحقيق و تفكّر هم به يقين مي‏رسند و هم سپاسگزار مي‏شوند و راه صحيح و مسير مطلوب براي بازگشت به حق را پيدا مي‏كنند و طي مي‏نمايند.

 3 - با تذكر و يادآوري حوادث تاريخي، حجاب غفلت و فراموشي دريده مي‏شود و انسان، موجودي هشيار و بيدار مي‏گردد، و به گونه‏اي مطلوب به سوي اهدافِ تعيين شده براي او حركت مي‏كند و با اين بيداري از خاك‏ريزهاي دشمن به خوبي عبور مي‏كند و تمام موانع سر راه خود را برمي‏دارد، و اجازه نمي‏دهد كه كسي او را فريب دهد، يا تجربيات گران‏بهاي ديگران را به قيمتي گران‏تر تكرار كند.

 4 - و در نهايت، آرامش و اطمينان خاطر و قوت قلب پيدا مي‏كند و با صبر و مقاومت و پايداري و اميدواري به سرنوشت روشن خود، مسير صحيح زندگي را طي مي‏كند و از هيچ دشمني و خطري در هراس نخواهد بود.

 5 - آيات الهي در تاريخ هم‏چون آيات الهي در طبيعت، هميشه پرفروغ بوده و انسان را با دلايل متقن به علم نامحدود و قدرت لايزال الهي آشنا نموده و او را به خداي خود ربط مي‏دهد، تا وجود كوچك خود را در پرتو اين وجود لايزال و نامحدود ببيند و هيچ‏گاه خود را بي نياز و مستقل و افسار گسيخته نبيند.

 6 - مسير حق، مسيري روشن و پويا و تكامل‏بخش است كه انسان‏هاي مؤمن، خود را به اهداف نهايي‏شان نزديك مي‏بينند و هيچ گاه يأس و نااميدي، آنان را از پا در نمي‏آورد. بلكه براي خود وجودي مستمر و ريشه دار در عمق تاريخ احساس مي‏كنند و با برنامه‏اي حساب شده و دقيق مي‏توانند آينده‏ي روشني براي خود ترسيم نمايند و رسيدن خود را به آن اهداف تضمين كنند.

 نتيجه‏

 بنابراين، بحث‏هاي تاريخي بايد بحث‏هايي تحليلي و مفيد باشند، تا تمام اهداف ياد شده تأمين گردد. صرف اطلاع از حوادث تاريخ، يا صرف رسيدن به يك تحليل، به تنهايي براي انسان مفيد فايده نخواهد بود يا لااقل، فايده‏اي اندك خواهد داشت.

 البته قرآن كريم در تاريخ‏نگاري خود به قلمروهاي گوناگون و مقاطع مختلف حيات بشر پرداخته و براي خود، روشي ويژه و منحصر به فرد انتخاب كرده است، و انسان را از گم شدن در مسيرهاي انحرافي و پر پيچ و خم مباحث علمي تاريخي و غير تاريخي برحذر نموده، و روش صحيح سلوك راه را در تاريخ‏نگاري بيان كرده است.

 در بحث‏هاي ويژه‏ي تاريخ دوران غيبت كبري‏ نيز نبايد از اين اهداف و روش قرآني فاصله بگيريم و تاريخ اين دوران را براي محض اطلاع فرا نگيريم، بلكه براي رسيدن به مقاصدي مهم و هدف‏هايي بزرگ، به آشنايي با حوادث تاريخي اين دوران و تحليل صحيح اين رويدادهاي تاريخي بپردازيم.

 3 - قلمروهاي بحث‏هاي تاريخي عصر غيبت كبري‏

 سومين بحث مقدماتي، تبيين قلمروهاي بحث‏هاي تاريخي دوران غيبت كبري‏ امام مهدي (عج) مي‏باشد.

 بسيار طبيعي است كه اولين قلمرو اين بحث همان تاريخ شخص امام مهدي (عج) مي‏باشد. در اين قلمرو شايسته است - علي‏رغم محدوديت منابع گويا و روشن در اين زمينه - حوادث زندگاني ويژه‏ي آن حضرت پس از انقضاي دوران غيبت صغري‏، و سيره‏ي حضرت مهدي (عج) در دوران غيبت كبري‏، و هم‏چنين ملاقات‏هاي حضرت مهدي (عج) با طبقات مختلف در طول دوران غيبت كبري‏ مورد بحث و بررسي قرار گيرد.

 2 - از آن جا كه حضرت مهدي (عج) براي رسيدگي به شؤون ديني، فرهنگي و سياسي شيعيان خود، فقهاي جامع‏الشرايط را به عنوان نايبان عام خود و مراجع تقليد مسلمين منصوب نموده است، تاريخ مرجعيت و مراجع تقليد، بايد دومين قلمروي بحث‏هاي ويژه عصر غيبت كبري‏ باشد.

 3 - حوزه‏هاي علميه به عنوان نهاد ريشه‏داري كه پيامبرصلي الله عليه وآله و اهل بيت‏عليهم السلام، آن را تأسيس كرده‏اند تا در آن نهاد، متخصصاني در شناخت دين، تربيت يافته و نيازهاي فرهنگي جامعه اسلامي را در دوران غيبت تأمين كنند و وظيفه‏ي پاسداري از فرهنگ اسلامي را بر دوش بگيرند. بنابراين، تاريخ اين نهاد بسيار مهم كه پرتويي از نهاد امامت است، بايد به گونه‏اي تحليلي، و نقش آن در ترويج فرهنگ اسلامي و فرهنگ امامت و مهدويّت در طول دوران غيبت كبري‏، در كنار نقش سياسي آن، مورد مطالعه و تحقيق قرار گيرد.

 4 - شيعه و تشيّع و فرهنگ شيعي، جنبش‏ها و دولت‏هاي شيعي در دوران غيبت كبري‏ به عنوان چهارمين قلمرو نيز بايد مورد مطالعه قرار گيرد.

 5 - با توجه به اين‏كه تاريخ دوران غيبت كبري‏، مقطعي از تاريخ اسلام و تاريخ جهان اسلام بوده، و در فضاي عام و گستره‏ي جهان اسلام، تمام تحولات مربوط به شيعه و تشيّع و حوزه‏هاي علميه و مرجعيت و غيبت شخص امام مهدي (عج) انجام گرفته، و بحث‏هاي ويژه‏ي هر قلمرو با قلمروهاي ديگر بي ارتباط نبوده است، بنابراين در يك نگاه تاريخي - تحليلي، تمام اين قلمروها بايد با هم ديده شوند.

 تاريخ جهان اسلام در ابعاد مختلف (فرهنگي، ديني، اجتماعي، سياسي، اقتصادي، نظامي و در تمام ابعاد جغرافيايي) بايد ملاحظه گردد. بنابراين، شرق جهان اسلام و شمال و جنوب خاورميانه و غرب آن، همگي به هم پيوسته است و بايد مورد توجه قرار گيرد.

 6 - و در صورت لزوم، سير تحولات عمده در جهان بشريت نيز نبايد از چشم يك مورّخ محقّق به دور باشد؛ زيرا رسالت امام مهدي (عج)، رسالتي جهاني است و جهان در انتظار اين مصلح الهي به سر مي‏برد. پس تمام تحولات جهاني كه جهان را به سمت آن روز موعود حركت مي‏دهند، بايد مورد مطالعه‏ي جدّي قرار گيرند.

 4 - ضرورت بحث و اهميت تاريخ عصر غيبت كبري‏

 چهارمين بحث مقدماتي، تبيين ضرورت‏هاي بحث از تاريخ دوران غيبت كبري‏ مي‏باشد.

 با توجه به اين‏كه، گذشته چراغ راه آينده است، ضرورت بحث از تاريخ و سير تحولات عصر غيبت كبري‏، روشن خواهد بود.

 تاريخ‏نگري - البته آن طور كه قرآن كريم آن را مطرح كرده است - انسان را چشمي بينا و دركي عميق مي‏بخشد و بر خلاف آن‏چه برخي تصور مي‏كنند، انسان در زندان گذشته‏ها، زنداني نمي‏شود، بلكه وضعيت فعلي خود را با توجه به گذشته بهتر درك مي‏كند و خود را براي آينده‏اي قابل پيش‏بيني و قابل تحقق آماده مي‏سازد؛ به گونه‏اي كه مي‏توانيم بگوييم: يك انسان تاريخ‏نگر، يك انسان آينده‏نگر مي‏باشد. با آگاهي ويژه‏اي به سوي آينده حركت مي‏كند و چنان‏چه لازم ببيند، مي‏تواند در ساختن آينده‏ي خود، نقش به‏سزايي داشته باشد.

 بنابراين، دانستن تاريخ صدر اسلام و پيچيدگي‏هاي دوران امامان معصوم پس از پيامبرصلي الله عليه وآله و سپس دوران غيبت تا حال حاضر، به ما امكان برنامه‏ريزي بهتري براي آينده مي‏دهد.

 از اين گذشته، براي رشته‏ي تخصصي تاريخ و رشته‏هاي تخصصي فقه و حديث و تفسير، آگاهي از دوران غيبت كبري‏ تا حال حاضر، امري حياتي و ضروري است؛ زيرا بدون دانستن اين تحولات، بسياري از مسايل تخصصي اين رشته‏ها، قابل درك و فهم علمي نخواهد بود، تا جايي كه مي‏توان گفت: چنان‏چه كسي در تاريخ اسلام و مسلمين، آن هم در تمام دوران‏هاي گذشته، سير تاريخي نداشته باشد و صاحب تحقيق نباشد، نمي‏تواند به تمام منابع استنباط و تفقه در دين، اشراف داشته باشد و دعوي اجتهاد مطلق كند. هر چند افراد غير مطلع از تاريخ، چنين ادعايي را سنگين مي‏دانند و شايد چنين مطلبي را مبالغه‏اي بيش ندانند، اما در حدّ اشاره بايد گفت: حديث و رجال ما، كه بخش عمده‏اي از منابع و اطلاعات مهم اين رشته را تشكيل مي‏دهند، بدون آگاهي از تحولات دوران غيبت كبري‏، ناقص و ناتمام بوده، و نظرات اجتهادي ما قابل اعتماد نخواهد بود.

 5 - چالش‏هاي بحث در تاريخ عصر غيبت كبري‏:

 پنجمين بحث مقدماتي، چالش‏ها و مشكلات ويژه‏ي تاريخ عصر غيبت كبري‏ مي‏باشد.

 در سوّمين بحث مقدماتي روشن شد كه اولين قلمرو براي بحث در تاريخ دوران غيبت كبري‏، تاريخ شخص امام مهدي (عج) است كه مهم‏ترين بحث و نزديك‏ترين موضوع نسبت به عنوان بحث مي‏باشد. ولي بحث در اين قلمرو، بسيار محدود و فاقد منابع مناسب مي‏باشد؛ زيرا پيش‏فرض ما در بحث، غيبت تام امام مهدي (عج) مي‏باشد. و با غيبت تام، چه اطلاعي از او مي‏توانيم داشته باشيم؟

 مكان زندگي و تحركات امام مهدي (عج)، نحوه‏ي زندگي او، نحوه‏ي ارتباط با مردم و سيره‏ي عام و خاص او در اين دوران، زندگي خصوصي او و بسياري از مسايل ويژه‏ي امام مهدي (عج) كه براي يك بحث تاريخي مطرح مي‏باشند، شايد بدون جواب بمانند.

 بنابراين مي‏توانيم بگوييم: اولين چالش در بحث‏هاي تاريخ عصر غيبت كبري‏، مشخص نبودن قلمروهاي بحث در اين برهه‏ي تاريخي است كه به تناسب اهداف مورد نظر و افق‏هاي ديد تاريخ‏نگاران، مي‏تواند بسيار متفاوت باشد. آن چه را در سومين بحث مقدماتي بيان داشتيم، در حقيقت مي‏تواند يك نظر تأسيسي باشد؛ زيرا آن‏چه تاكنون با اين عنوان آمده است؛ يا منهاي تاريخ شخص امام مهدي (عج) بوده(1) يا اين‏كه فقط به تاريخ شخص امام مهدي (عج) بسنده كرده است.(2)

 دومين چالش، كمبود منابع در زمينه‏ي اولين قلمرو براي بحث‏هاي دوران غيبت كبري‏ است.

 چالش سوم، پراكنده بودن اطلاعات تاريخي است. آن‏هم در منابعي كه هر كدام با ديدگاه‏هاي ويژه‏اي به رشته‏ي تحرير درآمده است.

 البته منابعي كه توسط مستشرقين عرضه شده است، نمي‏تواند منابعي مطمئن و گوياي واقعيت باشد.

 براي منابع عمومي تاريخ اسلام نيز بايد بگوييم كه تاريخ شيعه و تشيّع و حوزه‏هاي علميه و مراجع بزرگ تقليد در اين منابع نيز كم‏رنگ بوده يا اين‏كه صددرصد مورد تجاهل قرار گرفته است.

 بنابراين، بايد تلاشي اساسي و همه جانبه، همراه با حساسيت‏هاي لازم براي يك محقق، انجام پذيرد، تا اين‏كه مجموعه‏اي منسجم و علمي و فراگير در مورد تاريخ عصر غيبت كبري‏ فراهم آيد. چنين كار بزرگي را بايد يك گروه توانمند يا مؤسسه‏اي متخصص در تاريخ بر عهده گيرد، تا تاريخي مستند و تحليلي، عرضه گردد و مورد استفاده‏ي رشته‏هاي تخصصي و عمومي قرار گيرد.

‏

 پي‏نوشت‏ها:

1) مانند: درسنامه و تاريخ عصر غيبت (آقايان آقايي، جباري، عاشوري، حكيم).

2) مانند: تاريخ الغيبة الكبري از سيد محمد صدر.